

بررسی نقش ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی

دکتر رویا دارابی

دانشیار گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
roydarabi110@yahoo.com

زهرا ورکش

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
zahravarkesh@gmail.com

جواد درخشان

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
j.derakhshan@iranair.com

شماره ۴۵ / تابستان ۱۴۰۰ (جلد چهارم) / صص ۳۳-۴۴
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره چهارم)

چکیده

رفتار اجتناب مالیاتی از استراتژی‌های با اهمیت شرکت‌ها محسوب می‌شود. شرکت‌ها با استفاده از اجتناب مالیاتی می‌توانند به کاهش بار مالیاتی خود کمک نمایند. همچنین ریسک مالیاتی نیز می‌تواند به طور خاص از اجتناب مالیاتی نشأت بگیرد. ریسک مالیاتی، می‌تواند از استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالی شرکت که به صورت مستقل از کل ریسک عملیاتی است، به وجود بیاید. شرکت‌هایی که از اجتناب مالیاتی به‌خوبی استفاده می‌کنند، می‌توانند در سودمندی سهامدارانشان از این طریق نقش داشته باشند. اجتناب از مالیات، از خلاءهای قانونی در قانون مالیات‌ها نشأت می‌گیرد. اجتناب مالیاتی می‌تواند ریسک‌ها را به سمت بدهکاران سوق داده و موجب کاهش توانایی آن‌ها در پرداخت بدهی‌هایشان شود. از سوی دیگر، اجتناب مالیاتی می‌تواند منجر به صرفه جویی پولی بدهکاران شود که این مسئله می‌تواند قدرت آن‌ها را در پرداخت بدهی‌هایشان تقویت کند. از آنجا که ریسک مالیاتی پس از کسر مالیات از جریان نقدی کمتر قابل پیش‌بینی می‌شود، طلبکاران می‌توانند شرکت‌هایی با ریسک مالیاتی بالا را به‌عنوان بدهکاران خطرناک‌تر تشخیص دهند. ارتباط روشنی میان اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی به‌صورت یکنواخت در دسترس نیست. از این رو این تحقیق به دنبال بررسی نقش ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی است.

واژگان کلیدی: اجتناب مالیاتی، ریسک مالیاتی، نرخ موثر مالیاتی.

مقدمه

اجتناب از مالیات، از خلاءهای قانونی در قانون مالیاتی نشأت می‌گیرد. شرکت‌ها با استفاده از روزه‌های قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند تا استقراض مالیاتی خود را کاهش دهند. یکی از دلایلی که شرکت‌ها فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را انجام می‌دهند، استفاده از آن پول برای پرداخت استقراض‌هایشان می‌باشد (کاورمن، ۲۰۱۸). به عبارت دیگر صرفه‌جویی مالیاتی شرکت‌ها که از فعالیت‌های اجتناب مالیات حاصل می‌شود، می‌تواند برای تامین مالی بازپرداخت استقراض‌های شرکت استفاده شود. بر اساس استدلال کاورمن (۲۰۱۸)، مالیات یک از بزرگترین اقلام هزینه‌ای برای اکثر شرکت‌ها می‌باشد. رفتار اجتناب مالیاتی از استراتژی‌های با اهمیت شرکت‌ها محسوب

می‌شود. شرکت‌ها با استفاده از اجتناب مالیاتی می‌توانند به کاهش بار مالیاتی خود کمک نمایند. همچنین ریسک مالیاتی نیز می‌تواند به طور خاص از اجتناب مالیاتی نشأت بگیرد. ریسک مالیاتی، می‌تواند از استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالی شرکت که به صورت مستقل از کل ریسک عملیاتی است، بوجود بیاید. تحقیقات تجربی بیانگر این مسئله است که شرکت‌های بسیاری در بحث اجتناب مالیاتی بسیار موفق عمل کرده‌اند (کاورمن، ۲۰۱۸). دسای و هارماپالا (۲۰۰۹)، شواهدی بر تاثیر مثبت اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت‌ها پیدا کردند. اما از طرفی در برخی پژوهش‌ها، اجتناب مالیاتی تاثیر منفی بر شرکت دارد.

هانلن (۲۰۰۹) بیان می‌کند که اجتناب مالیاتی، اثری منفی بر قیمت سهام و عکس‌العمل بازار دارد. همچنین افزایش اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها موجب کاهش ارزش شرکت‌ها می‌شود. با این حال شواهد موجود کاملاً یکنواخت نیست. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که عواقب اجتناب مالیاتی به صورت گسترده‌ای بر روی سهامداران متمرکز می‌باشد. از این رو شرکت‌هایی که از اجتناب مالیاتی به خوبی استفاده می‌کنند، می‌توانند در سودمندی سهامدارانشان از این طریق نقش داشته باشند (کاورمن، ۲۰۱۸). بنابراین استفاده از اجتناب مالیاتی هنگامی که سود یا قیمت سهام بالا برود ممکن است موجب سودمندی سهامداران در این شرکت‌ها گردد (کاورمن، ۲۰۱۸). با این حال حسن (۲۰۱۴)، نشان داد که اجتناب مالیاتی می‌تواند موجب افزایش هزینه استقراض‌ها می‌شود (کاورمن، ۲۰۱۸). لیم (۲۰۱۱)، به نتایج معکوسی دست پیدا کرد. طبق تحقیقات لیم (۲۰۱۱)، اجتناب مالیاتی می‌تواند برای بدهکاران بسیار مفید باشد، زیرا موجب حفظ وجه نقد، برای پرداخت مالیات می‌گردد که این مسئله می‌تواند برای پرداخت استقراض‌هایشان آن‌ها را کمک نماید. بنابراین این مسئله می‌تواند به سوال بسیاری از شرکت‌هایی که با کمبود بودجه مواجه هستند پاسخ دهد که آیا وجه نقدشان را باید برای پرداخت استقراض‌هایشان حفظ کنند یا از آن برای پرداخت مالیات استفاده کنند (کاورمن، ۲۰۱۸).

طبق استدلال محققین برای بوجود نیامدن عدم تقارن اطلاعاتی میان طلبکاران و بدهکاران، شرکت‌ها ترغیب به داشتن اطلاعات کاملی از بدهکارانشان می‌شوند. بدین صورت که اگر زمانی اطلاعات نادرست باشد آن‌ها برای تهدید بدهکار، نرخ بهره را افزایش می‌دهند (کاورمن، ۲۰۱۸). از این رو ممکن است شرکت‌ها، اطلاعات مالیاتی بدهکاران را نیز مورد ارزیابی قرار دهند، که این عمل موجب تاثیرگذاری بر هزینه‌های استقراض آن‌ها می‌گردد. بنابراین کاورمن (۲۰۱۸)، پس از پژوهش‌های فراوان به این نتایج دست پیدا کرد که اجتناب مالیاتی ممکن است اثری منفی بر روی هزینه استقراض و ریسک مالیاتی ممکن است موجب افزایش استقراض گردد (کاورمن، ۲۰۱۸). بر اساس تحقیق زرنندی (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات و ترکیب هیات مدیره بر سیاست استقراض شرکت را مورد مطالعه قرار داد، نتایج نشان داد که نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره با استقراض شرکت ارتباطی نداشته و این نسبت بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان استقراض تاثیر معناداری ندارد. این نتیجه می‌تواند نشان دهنده‌ی عملکرد ضعیف اعضای غیرموظف هیات مدیره به عنوان یکی از ابزارهای حاکمیت شرکتی، باشد. همچنین فرجی (۱۳۹۵)، به بررسی پژوهشی با عنوان بررسی رابطه اجتناب مالیاتی، هزینه استقراض و سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداخت. نتایج نشان داد، بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه استقراض‌ها رابطه منفی معناداری وجود دارد.

در بیشتر کشورها بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت، از طریق مالیات تامین می‌شود. اجتناب از مالیات و گریز از مالیات در کشورها باعث شده است که درآمدهای مالیاتی همواره از آنچه که برآورد می‌شود کمتر باشد. این مسئله باعث شده است که کشورها تلاش خود را برای کاهش اجتناب مالیاتی و اصلاح نظامی مالیاتی به کار گیرند. براساس پژوهش‌های گذشته، اجتناب مالیاتی می‌تواند تاثیر منفی بر ارزش شرکت و قیمت سهام و همچنین عکس‌العمل منفی بازار را در پی داشته باشد. همچنین اجتناب مالیاتی، می‌تواند برای بدهکاران بسیار مفید باشد، زیرا موجب حفظ وجه نقد، برای پرداخت مالیات می‌گردد که این مسئله می‌تواند برای پرداخت استقراض‌هایشان آن‌ها را کمک نماید. بنابراین این

مسئله می‌تواند به سوال بسیاری از شرکت‌هایی که با کمبود بودجه مواجه هستند پاسخ دهد که آیا وجه نقدشان را باید برای پرداخت استقراض‌هایشان حفظ کنند یا از آن برای پرداخت مالیات استفاده کنند. حل این مسئله خود می‌تواند نگاه شرکت‌هایی که اجتناب از پرداخت مالیات دارند نسبت به مسئله استقراض را مورد بررسی قرار دهد. در اجتناب از مالیات، شرکت نگران نیست که عمل او افشاء شود. اجتناب از مالیات، از خلاءهای قانونی در قانون مالیات‌ها نشأت می‌گیرد. مثلاً درآمدهای نیروی کار را در قالب درآمد سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که معاف از مالیات می‌باشد. در اجتناب از مالیات، مودی مالیاتی دلیلی ندارد نگران احتمال افشاء شدن باشد، چرا که او الزامات تمامی مبادلات خود را با جزئیات آن البته به شکل غیر واقعی، یادداشت و ثبت می‌کند. به عبارت دیگر، اجتناب از مالیات، یک نوع سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است. این مقوله به بررسی و یافتن راه‌های گریز از پرداخت مالیات در قوانین مالیاتی مرتبط می‌شود که مودیان به آن وسیله خود را به نحوی از افراد مشمول مالیات کنار می‌زنند. کامل تقوی‌نژاد، رئیس سازمان امور مالیاتی ایران می‌گوید، حدود ۴۰ درصد اقتصاد ایران، از پرداخت مالیات معاف است. به گفته او بیشترین سهم از معافیت‌ها به بخش‌های کشاورزی و فرهنگی و هنری رسیده است. اگرچه قبلاً هم آمارهای مشابهی اعلام شده بود، این گفته‌ها بار دیگر نشان می‌دهد که همچنان بخش بزرگی از اقتصاد ایران، سهم عادلانه مالیاتش را نمی‌دهد. سازمان امور مالیاتی گزارش داده است که از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶، میزان درآمدهای مالیاتی دولت، ۶٪ رشد داشته است. این مسئله و همینطور امکان اجتناب مالیاتی در میان شرکت‌های معظم حاضر در بورس اوراق در ایران، این ضرورت را ایجاد نموده است که کلید انجام پژوهش حاضر فشرده شود. بر اساس مبانی نظری این مطالعه به دنبال بررسی نقش ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی می‌باشد.

اجتناب مالیاتی

تعاریف متفاوتی از اجتناب مالیاتی به‌وسیله‌ی محققان ارائه شده است. اجتناب مالیاتی به‌عنوان کاهش مالیات آشکار هر دلار از سود حسابداری قبل از مالیات، توسط هاتلون و هنترمن (۲۰۰۹) تعریف شده است. فعالیت‌های اجتناب مالیاتی به‌طور متداول به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد، اطلاق می‌شود. پاسترتاک و ریکو (۲۰۰۸) اجتناب مالیاتی را، استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به‌منظور کاهش مقدار قابل پرداخت به‌وسیله‌ی ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده‌اند (گل محمدی، ۱۳۹۷).

بر اساس تعریف اسلمرد (۲۰۰۴) نوع مشروع اجتناب مالیاتی از تفاوت بین قوانین مالیاتی و اصول پذیرفته‌شده‌ی حسابداری ناشی می‌شود. مثالی از این مورد روش محاسبه‌ی هزینه استهلاک هست. قانون مالیاتی شرکت‌ها را ملزم می‌کند که با استفاده از روش الزامی شده در قانون دارایی را مستهلک کنند اما اصول پذیرفته‌شده‌ی حسابداری به شرکت‌ها اجازه می‌دهد که هزینه استهلاک را به‌گونه‌ای محاسبه کنند که اطلاعات بهتری به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی منتقل شود. مثال‌هایی از اجتناب از پرداخت نامشروع شامل، حمایت کردن سود در مقابل میزان مالیاتی از طریق کمتر گزارش کردن سود هست. سایر تعریف‌ها زنجیره‌ای از استراتژی برنامه‌ریزی مالیاتی که دربرگیرنده‌ی فعالیت‌های کاملاً قانونی و همچنین معاملات جسورانه‌تری که در وضعیت مبهم هستند، ارائه می‌دهند (نوئی و کلایی، ۱۳۹۷).

بر اساس مسئله نمایندگی، اجتناب مالیاتی همیشه ممکن نیست که ثروت سهامداران بیرونی را افزایش دهد. مطابق با این نظریه، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی ممکن است در انحراف منافع به سمت خود مدیران که دامنه‌ی آن از دست‌کاری و سرقت سود شرکت تا پاداش بیش از اندازه‌ی مدیران در شکل‌های مختلف می‌تواند نقش داشته باشد. اجتناب مالیاتی

ممکن است به طور بالقوه ارزش بعد از مالیات شرکت را کاهش دهد. از این رو هزینه‌هایی که به طور مستقیم به فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی مربوط می‌شود، هزینه‌های اضافی رعایت قوانین و مقررات و هزینه‌های غیر مالیاتی یعنی هزینه‌های نمایندگی، ممکن است بیشتر از منافع مالیاتی برای سهامداران باشد. بسیاری از تحقیقات در پاسخ به این سؤال انجام شده است که چرا بعضی از شرکت‌ها بیش از سایرین از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند؟ بعضی از محققان بر عوامل مختلفی به عنوان محرک و منافع برای فعالیت‌های اجتناب از پرداخت، برای پاسخ به سؤال مورد نظر مطرح کرده‌اند. زیمرمن (۱۹۸۳)، گویتا و نیوبری (۱۹۹۷) و وریکو (۲۰۰۳) بر ویژگی‌های شرکت مثل نوع صنعت، اندازه شرکت، عمر شرکت و دیگر تحقیقات، انگیزه‌های مثل پاداش، ساختار مالکیت و شکل سازمانی را به عنوان محرک بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی انتخاب کرده‌اند (غریب، ۱۳۹۷).

نگرانی‌های اعتباری، فاکتور مهمی برای شرکت‌هایی که استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی را بکار می‌برند، هست. بانکمن (۲۰۰۴) نشان داد که وقتی که یک شرکت به طور جسورانه از پرداخت مالیات اجتناب می‌کند ممکن است برچسب شرکت فقیر از نظر شهروندی به آن شرکت زده شود که ممکن است به طور معکوس بر نتایج بازار تولید تأثیر داشته باشد. تحقیقات قبلی، اثر اعتباری برنامه‌ریزی مالیاتی را برای شرکت‌هایی که متهم به دخالت در سپرده‌های مالیاتی هستند، مورد آزمون قرار دادند. هانلون و اسلمرد (۲۰۰۹)، واکنش بازار به اخبار مبنی بر دخالت شرکت‌ها در سپرده‌های مالیاتی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیقاتشان حاکی از واکنش جزئی منفی بازار و در بعضی موارد که شرکت قبلاً به عنوان اجتناب‌کننده از مالیات شناسایی نشده بود، واکنش مثبت بود. همچنین شرکت‌هایی که در صنایع خرده‌فروشی بودند، واکنش منفی شدیدتری به اخبار سپر مالیاتی داشتند. نگرانی گزارشگری مالی نیز بازدارنده‌هایی را برای برنامه‌ریزی مالیاتی فراهم می‌کند. انگیزه‌های گزارشگری مالی اغلب با انگیزه‌ی حداقل کردن مالیات در تضاد است، به این دلیل که کاهش در سود مشمول مالیات غالباً سود حسابداری کمتری را نتیجه می‌دهد (رودپشتی، ۱۳۹۶).

با توجه به آنکه یکی از اهداف اصلی مدیران و نمایندگان سهامداران در شرکت، حداکثر کردن ثروت سهامداران هست و سهامداران با استفاده از مکانیزم‌های مختلفی به دنبال تحقق این امر و نظارت بر مدیران می‌باشند؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که یکی از انگیزه‌های اصلی اجتناب مالیاتی توسط مدیران، تحقق هدف حداکثر سازی ثروت سهامداران باشد. افزون بر این، در بسیاری از مواردی که طرح‌های پاداش برای مدیران و گردانندگان شرکت در نظر گرفته می‌شود، بخشی از این طرح‌ها مبتنی بر معیارهای عملکرد شرکت می‌باشند؛ معیارهایی که برخی از آن‌ها به میزان سود شرکت و میزان جریان‌های نقدی آزاد وابسته می‌باشند. از این رو می‌توان انتظار داشت مدیران در راستای تحقق پاداش‌های در نظر گرفته شده از جانب سهامداران برای آن‌ها، انگیزه زیادی برای اجتناب مالیاتی داشته باشند، زیرا اجتناب مالیاتی در نهایت منجر به افزایش سود خالص و کاهش جریان‌های نقدی خروجی ناشی از مالیات می‌گردد. این موضوع در تحقیق انجام شده توسط آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۲) نیز تأیید شد و محققان مذکور به این نتیجه رسیدند که بین طرح‌های تشویقی پاداش مدیران مالیاتی با نرخ مؤثر مالیاتی محاسبه شده بر اساس استانداردهای حسابداری رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد (خواجه‌وی، ۱۳۹۶).

اجتناب از مالیات غیرعادی یا اختیاری

دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) مقیاس اندازه‌گیری تفاوت دفتری مالیات غیرعادی را با استفاده از رگرسیون تفاوت دفتری مالیات بر روی ارقام محاسبه نمودند که در آن کل ارقام تعهدی به عنوان متغیر کنترلی مدیریت سود در نظر گرفته شد. باقیمانده رگرسیون، مقیاس جایگزینی برای اجتناب از مالیات است. همچنین، فرانک و همکاران (۲۰۰۹) بخش اختیاری مقیاس تفاضل نرخ مؤثر مالیات قانونی و حسابداری را تخمین زدند. از آنجا که کمبود مدل‌های ساختاری مناسبی از

تفاوت مالیات و نرخ مؤثر مالیات وجود دارد، مدل‌های اختیاری می‌توانند خطاهای اضافی را معرفی نمایند. دانستن این که چه متغیرهایی وارد مدل شوند و اثرات آن بر روی جز باقیمانده چیست، دشوار است. برای مثال، آیا باید میزان فعالیت‌های خارجی یک شرکت و یا مقدار مخارج پژوهش و توسعه به عنوان اقلام ورودی مرحله اول رگرسیون به عنوان عوامل شناخته شده از نرخ مالیات حسابداری طبقه‌بندی شوند (چون مدیر این اقدامات را انجام می‌دهد می‌تواند به دلیل صرفه‌جویی غیر مالیاتی و مالیاتی فقط یک محصول فرعی تولید کند)؟ یا باید اثرات آن متغیرها به عنوان بخشی از اجتناب مالیاتی عمدی کلی (باقیمانده) وارد شود در حالی که هر دو این‌ها می‌تواند عمداً توسط شرکت (و مدیران) به منظور کاهش مالیات استفاده شود؟ این یک مسئله دشواری است که پاسخی برای آن وجود ندارد. اندازه‌گیری بخش اختیاری تفاضل نرخ مؤثر مالیات در اصل همان «تفاضل نرخ مؤثر مالیات» است و می‌تواند به عنوان نرخ قانونی مالیات منهای نرخ مؤثر مالیات حسابداری محاسبه شود. برای به دست آوردن مقدار قابل مقایسه با پژوهش فرانک و همکاران (۲۰۰۹)، تفاضل نرخ مؤثر مالیات بر درآمد قبل از مالیات ضرب شود. این مقیاس اندازه‌گیری، اثرات عملیاتی خارجی در حوزه‌های با نرخ‌های مالیات مختلف و هر مورد دیگر که به نرخ مؤثر مالیات حسابداری اثر می‌گذارد را در بر می‌گیرد. علاوه بر این، اندازه‌گیری بخش اختیاری تفاضل نرخ مؤثر مالیات تنها اجتناب مالیاتی را اندازه می‌گیرد که به شرکت کمک می‌کند تا سود حسابداری را با کاهش نرخ مؤثر مالیات حسابداری افزایش دهد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

پناهگاه‌های مالیات

پناهگاه مالیاتی یک منطقه، حوزه یا کشوری است که در آن نرخ مالیات در کمترین مقدار خود قرار دارد. اگر شناسایی موارد رفتار برنامه‌ریزی مالیاتی عمدی در سطح معامله در انتهای زنجیره پرخاشگری اجتناب از مالیات مهم باشد، این طبقه‌بندی از اجتناب مالیاتی می‌تواند سودمند باشد. با این حال، چند نکته مهم وجود دارد. اول، خطاهای انتخاب بالقوه وجود دارد. مشابه به اظهارات فوق، نمونه‌ای از شرکت‌های پناهگاه مالیاتی تنها شرکت‌هایی است که یا دستگیر شده بودند و یا رسماً تفهیم اتهام شده بودند. دوم، استفاده از یک پناهگاه مالیاتی به احتمال زیاد درون‌زا است. شرکت‌هایی که می‌توانند اجتناب از مالیات انجام دهند ممکن است نیاز به وارد شدن در پناهگاه نداشته باشند و شرکت‌هایی که به هر دلیلی نمی‌توانند اجتناب از مالیات داشته باشند شاید یکی از آن‌هایی باشند که در پناهگاه مالیاتی باشند؛ بنابراین، اگر یک تعریف کلی‌تر از اجتناب از مالیات ارائه شود، ممکن است شرکت‌های در پناهگاه مالیات، شرکت‌هایی نباشند که اجتناب از مالیات انجام می‌دهند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

جدول زیر چند نوع از معیارهای اندازه‌گیری اجتناب از مالیات را نشان می‌دهد (مشایخی و علی پناه، ۱۳۹۴)

جدول (۱): معیارهای اندازه‌گیری اجتناب از مالیات

معیار	محاسبه	شرح
GAAP ETR	$\frac{\text{کل هزینه مالیات بر درآمد}}{\text{کل سود حسابداری قبل از مالیات}}$	هزینه مالیاتی کل به ازای هر دلار سود دفتری قبل از مالیات
Current ETR	$\frac{\text{هزینه مالیات بر درآمد جاری}}{\text{کل سود حسابداری قبل از مالیات}}$	هزینه مالیاتی جاری به ازای هر دلار سود دفتری قبل از مالیات
Cash ETR	$\frac{\text{کل مالیات نقدی پرداختی}}{\text{کل سود حسابداری قبل از مالیات}}$	مالیات های نقدی پرداخت شده به ازای هر دلار سود دفتری قبل از مالیات
Long-Run cash ETR	$\frac{\sum_{t=1}^n \text{مالیات نقدی پرداختی}}{\sum_{t=1}^n \text{سود حسابداری قبل از مالیات}}$	مجموع مالیات های نقدی پرداخت شده در طول n سال تقسیم بر مجموع

		سودهای قبل از مالیات در طول n سال
Total BTD	سود قبل مالیات هزینه مالیات بر درآمد خارجی + هزینه جاری مالیات فدرال $\frac{SRT}{-}$	تفاوت های کلی بین سودهای دفتری و مشمول مالیات
Temporary BTD	هزینه مالیات انتقالی $\frac{STR}{-}$	تفاوت موقت بین سود حسابداری قبل از مالیات و درآمد مشمول مالیات
Permanent BTD	Total BTD – Temporary BTD	
		تفاوت میان BTD کل و BTD موقت

ریسک مالیاتی

ریسک مالیاتی عامل بالقوه‌ای که یک فعالیت یا عمل فعلی، یا عدم اقدام با تعقیب یک فعالیت که منجر به بازدهی مالیاتی آینده متفاوت از انتظارات می‌شود. ریسک مالیاتی ناشی از تعامل بین ریسک اقتصادی و عدم قطعیت قانون مالیاتی است. ریسک اقتصادی گسترش بازده احتمالی یک سرمایه‌گذاری است. عدم قطعیت قانون مالیات به دلیل عدم قطعیت در خصوص حقایق مرتبط به یک موقعیت، برنامه قانون مالیات، یا پردازش دقیق اطلاعات توسط سیستم حسابداری شرکت رخ می‌دهد (تلخابی، ۱۳۹۷).

هر تراکنش شرکت خاص میزان منحصری ریسک اقتصادی و عدم قطعیت قانون مالیات را داراست؛ و مادامی که تراکنش بین ریسک اقتصادی و عدم قطعیت قانون مالیاتی در خصوص راهبردهای مالیاتی کلی شرکت افزایش می‌یابد، ریسک مالیاتی کلی شرکت نیز بالا می‌رود. جزء اقتصادی از تصمیمات، عمل‌ها با عکس‌العمل‌های توسط مالیات‌دهندگان (مسئولین مالیاتی) که منجر به بازدهی مالیاتی پیش‌بینی‌نشده می‌شود. به عنوان مثال، پیچیدگی مالیاتی نشان‌دهنده یک منبع قابل توجهی از ریسک مالیاتی است. برخی شرکت‌ها اغلب با چشم‌پوشی از مزایای مالیاتی قابل توجهی برخی از هزینه‌ها مثل هزینه‌های منطبق قابل‌درک (و واقعی) که بیش از مزایای مالیاتی است. وال استریت ژورنال اخیراً گزارش داد که شرکت ادعا می‌کنند فرصت‌های شغلی اعتباری برای تنها ۲۰٪ تا ۳۵٪ از کارکنان واجد شرایط و تنها ۴٪ تا ۱۲٪ از شرکت‌های واجد شرایط مدعی اعتبار برای کسب‌وکارهای کوچک تحت پوشش طرح خدمات درمانی می‌باشند. ریسک مالیاتی و مدیریت ریسک مالیات مفهومی مجزا از ریسک تجاری و مدیریت ریسک بنگاه هستند (تلخابی، ۱۳۹۷).

بخش بعدی ریسک مالیاتی، عدم قطعیت قانون مالیات، به دلیل عدم اطمینان در مورد حقایق وضعیت، استفاده از قانون مالیات و یا پردازش دقیق اطلاعات توسط سیستم‌های حسابداری شرکت‌ها هست. عدم قطعیت قانون مالیاتی با کمک به ریسک مالیاتی با ایجاد ابهام در روش مالیاتی و گزارش معاملات و همچنین به‌عنوان مزایای مالیاتی مورد انتظار شرکت‌ها تشخیص خواهد داد. علاوه بر این، تفاسیر مراجع ذی‌صلاح (نهاد تصمیم‌گیرنده) درآمد و دادگاه‌ها از قانون مالیاتی به‌عنوان عاملی در بررسی روش مالیات یک فعالیت مهم هست؛ بنابراین، مقررات و اجرای نیز نقش مهمی در عدم قطعیت از قانون مالیات ایفا می‌کند. پس انتظارات کلی یک شرکت از ریسک مالیاتی باعث افزایش تعامل بین ریسک اقتصادی و افزایش احتمالات در قانون مالیاتی می‌گردد (رمضانی، ۱۳۹۷).

اندازه‌گیری ریسک مالیاتی

توسعه میزان پیشین ریسک مالیاتی بدان جهت حائز اهمیت است. مجزا و دقیق از بازده مالیاتی، اجتناب از مالیات و یا ته‌اجم مالیاتی است. متخصصین و مدیران ریسک مالیاتی را به عنوان عواقب غیر عمد معاملات مجزا می‌دانند که راهبردهای مالیاتی شرکت خاص را شامل می‌شود. در واقع بررسی اخیر مدارک موسسه دولتی مالیاتی کی پی ان جی (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که سه توضیح بیشتر استفاده‌شده به‌وسیله مدیران مالیاتی، اعضای هیئت و مدیران ارشد برای

عبارت ریسک مالیاتی عبارت‌اند از: (ریسک عدم انطباق با قوانین مالیاتی)، (پیامدهای غیر عمد معاملات شرکت)، (ریسک‌های گزارش‌شده مالی)، (ریسک حمایت نشده موقعیت/ ممیزی مالیاتی) نامشخص‌ترین جنبه ریسک مالیاتی بیان‌شده از سوی شرکت‌کنندگان در تحقیق است. چشم‌انداز ریسک مالیاتی به سرعت تغییر می‌کند؛ در سال ۲۰۰۷ پاسخ‌دهندگان (ریسک‌های گزارش‌شده مالی) را به‌عنوان بارزترین ریسک مالیاتی که شرکت آن‌ها با آن مواجه است عنوان کرده بودند در حالی که در سال ۲۰۱۰ بالاترین ریسک مالیاتی را پیامدهای غیر عمد معاملات شرکت خوانده بودند. همچنین به‌جای تکیه بر اندوخته موقعیت مالیاتی نامطمئن، ای آر اس مدیران را به بررسی مجزای معاملات کرد تا از این طریق بتوانند ریسک مالیاتی را به طور کامل شناسایی کرده و مدیریت کنند. در حالی که دیگر شرکت‌های مالیاتی (مثل انگلستان، کانادا و استرالیا) ریسک مالیاتی را به‌وسیله بررسی معاملات، فعالیت‌ها و روندهای شرکت می‌سنجند (امیری، ۱۳۹۷).

سنجش ریسک مالیاتی

پژوهشگران برای اندازه‌گیری ریسک مالیاتی چندین روش را مورد استفاده قرار دادند که در زیر به بررسی آن‌ها پرداخته شده است.

برزگری خانقاه و همکاران (۱۳۹۹) با جمع‌بندی پژوهش‌های مختلف از جمله گالمور و لبرو (۲۰۱۵) و طبق تعریفی که بیان می‌کند ریسک مالیاتی ناشی از شکاف مالیاتی است؛ ابتدا کلیه عوامل مؤثر بر شکاف مالیاتی شناسایی و در نهایت از باقیمانده الگو که با عنوان عوامل ناشناخته مؤثر بر شکاف مالیاتی یاد می‌شود، برای سنجش ریسک مالیاتی استفاده می‌شود. برای بررسی عوامل اثرگذار بر شکاف مالیاتی از تحقیقاتی که برای سنجش متغیر خود از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی استفاده کرده‌اند (متغیرهای کمی) و همچنین متغیرهایی که طی پرسشنامه طراحی شده با عنوان عوامل اثرگذار بر شکاف مالیاتی شناسایی شده‌اند (متغیرهای کیفی) بهره برده شد. هر چه تعداد این متغیرها افزایش یابد، بدین معنی است که شرکت از راه‌هایی که برای افراد بیرون از شرکت شناخته شده نیست به‌صورت قانونی و یا غیرقانونی از پرداخت مالیات دوری می‌کند؛ بنابراین، می‌توان بیان کرد که ریسک مالیاتی و شکاف مالیاتی رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند. به همین دلیل از متغیرهای ناشناخته مؤثر بر شکاف مالیاتی به‌عنوان متغیر سنجش ریسک مالیاتی در نظر گرفته شده است.

رضانی (۱۳۹۷) و مهری‌دهنو (۱۳۹۴) برای سنجش ریسک مالیاتی بررسی کرده است که آیا شرکتی معاملات با مشخصه‌هایی دارد که فعالان و متصدیان آن را با این ریسک‌ها مرتبط کنند؛ و سپس شاخصی از این آیتم‌ها ایجاد کرده که به آن رتبه ریسک مالیاتی اشاره می‌کند. رضانی در سنجش ریسک مالیاتی از چارچوب مدیریت ریسک مالیاتی پیروی کرده و معاملات با فعالیت‌های مرتبط با هر یک از ۶ مقوله ریسک مالیاتی (ریسک معاملاتی، عملیاتی، پذیرش، حسابداری مالی، مدیریت و ریسک اعتباری) را مورد بررسی قرار داده است. در این معیار هر یک از آیتم‌ها را به‌عنوان رتبه یک‌سوم یا چهارم متغیر عملیاتی در نظر گرفته و رتبه‌ها را جمع کرده تا معیاری کلی برای ریسک مالیاتی به دست آید؛ که در نهایت مقادیر بالاتر رتبه ریسک مالیاتی اشاره به سطح بالاتر ریسک مالیاتی دارد. (رضانی، ۱۳۹۷).

ریسک معاملاتی: ریسک و افشای مرتبط با معاملات خاصی است که توسط یک شرکت انجام شده است. برای هر معامله، از جنبه مالیاتی، عدم اطمینان ممکن است ناشی از به‌کارگیری قوانین مرتبط و موردی توسط متصدیان مالیاتی در یک موقعیت خاصی باشد و قضاوت مدیریتی خاص به دنبال گزارشگری یا زمان‌بندی معامله‌ای خاص است، خصوصاً هنگامی که شرکتی در معاملات پیچیده درگیر می‌شود. به‌علاوه، معاملات غیرمعمول و تکرار نشدنی نوعاً ریسک مالیاتی قابل ملاحظه‌ای را در بردارند و این به دلیل عدم اطمینان در مورد حقایق معاملات یا میزان پولی نتیجه یا اعتبار مرتبط با فعالیت است (تلخابی، ۱۳۹۷).

ریسک عملیاتی: ریسک به‌کارگیری قوانین، مقررات و تصمیمات مالیاتی در عملکردهای تجاری روزمره شرکت است. هر فعالیت مرتبط عملیاتی سطوح مختلفی از ریسک مالیاتی را در بر دارد. ریسک مالیاتی عملیاتی را با استفاده از ۲ متغیر اندازه‌گیری می‌کنند که یکی میزان عملیات خارجی و دیگری نوسانات عملیاتی هست.

ریسک پذیرش: ریسک مرتبط با حصول الزامات پذیرش مالیاتی یک سازمان است. از دیدگاه مالیاتی، ریسک پذیرش شامل ریسک درونی سیستم‌های خاص شرکت، روش‌ها و فرایندهای استفاده‌شده برای آماده‌سازی و فهرست تمام برگشت‌های مالیاتی آن (نه تنها برگشت‌های مالیاتی درآمد شرکت) و پاسخ‌ها به هر مسئله‌ای که در طول بررسی‌های مجدد آن برگشت‌های مالیاتی به وجود می‌آید.

ریسک حسابداری مالی: ریسک مرتبط با انتشارات صورت‌های مالی است که فارغ از صورت اشتباه از نظر محتوایی و صادقانه فعالیت‌های تجاری اساسی شرکت را بازنمایی می‌کند. در محیط، تمرکز ریسک حسابداری بر گزارشگری به‌موقع و درست هزینه‌های مالیاتی است. ریسک حسابداری مالی را با استفاده از یک متغیر بررسی می‌کنیم: گزارشگری آخر درآمدهای سالانه یا میانه ریسک حسابداری مالی، پراکسی را برای احتمال فرایند گزارشگری ناکارآمد و یا نظر مدیریتی کلان‌تر در فرایندهای گزارشگری ارزیابی می‌کند که این مسائل نگرانی‌های جاری مدیران و عواملان خصوصاً در دوره پس از آن هستند. خصوصاً شاخص‌هایی را برای فایل‌بندی معوقه هر کدام از مسائل زیر شامل می‌کنیم: گزارش‌های درآمدی میانه، گزارش‌های درآمدی سالانه (عطایی، ۱۳۹۷).

ریسک مدیریتی: ریسک نداشتن سرمایه کافی و یا دانش تکنیکی کافی برای یکپارچگی صحیح فعالیت‌های عملکرد مالیاتی در سراسر دپارتمان‌های مختلف و بخش‌ها برای رسیدن به مدیریت موفق ریسک مالیاتی در شرکت است. ریسک مالیاتی را با به‌کارگیری دو متغیر ارزیابی می‌کنیم: اثربخشی میزان کارکنان نسبت به مالیات پرداختی، نوسانات اشتغال (امیری، ۱۳۹۷). اگر یک شرکت هزینه‌های پایین‌تری به ازای هر یک از کارکنان نسبت به بقیه شرکت‌ها در صنعت موردنظر می‌دهد کارآمد است. چون پذیرش مالیاتی و طرح‌ریزی برای شرکت گران‌قیمت است، پراکسی دوم برای ریسک مدیریتی متغیر شاخصی برای نوسانات اشتغال است. یکی از تهدیدات بزرگ شرکت‌ها خروج افراد باتجربه از شرکت هست که باعث رشد اجتناب مالیاتی، افشای مالی و گزارشگر می‌شود؛ بنابراین انتظار می‌رود که گردش مالی می‌تواند یک خطر مالیاتی قابل‌توجهی را برای شرکت از طریق از دست دادن تداوم در روند رعایت و یا برنامه‌ریزی مالیاتی در بر خواهد داشت (رمضانی، ۱۳۹۷).

ریسک اعتباری: ناشی از تأثیر گسترده یک سازمان بابت اقداماتی که صورت می‌دهد در نظر عمومی هست که به‌عنوان یک موضوع از دانش عمومی تبدیل گردیده است. شرکت‌ها نسبت به وجه اعتباری خود در نظر عموم حساس‌اند و از اینکه به‌عنوان یک شرکت بد شناسایی گردند واهمه دارند زیرا مطبوعات شرکت را به‌عنوان یک شرکت بد می‌شناسند. به‌علاوه، ۶۹ درصد متصدیان مالیاتی وقتی یک فعالیت طراحی مالیاتی بالقوه را که دومین فاکتور بررسی‌کننده در تصمیم‌گیری‌شان از نظر اهمیت است در نظر می‌گیرند اعتبار را مهم قلمداد می‌کنند. ریسک مالیاتی اعتباری را با استفاده از ۳ متغیر ارزیابی می‌کنیم: رتبه کیفیت افشا شرکت‌ها در لیست تهیه‌شده سازمان بورس و اوراق بهادار، درگیری در پرونده قضایی و میزان سهامداران سازمانی (رباطی، ۱۳۹۷).

مسیحی و همکاران (۱۳۹۸) و هاتچنرس و ریگو (۲۰۱۵) بیان کردند که ریسک مالیاتی همه انواع عدم قطعیت در رویدادها و گزارش‌های مالی یک شرکت هست و در برگیرنده عدم قطعیت به‌کارگیری قانون و مقررات در گزارشات و همچنین احتمال حسابرسی شدن و عدم قطعیت در حسابداری مالی مالیات‌های دریافتی و کیفیت اطلاعات حسابداری که تصمیمات مالیات بر آن اساس گرفته می‌شود و برای اندازه‌گیری ریسک مالیاتی مؤدیان را در سه دسته فاقد ریسک، کم ریسک و پر ریسک طبقه‌بندی کردند که معیار اندازه‌گیری آن در اختلاف بین مالیات ابرازی با مالیات قطعی است.

شیری (۱۳۹۸) برای سنجش ریسک مالیاتی از انحراف معیار نرخ مؤثر مالیات نقدی جاری طی سه سال گذشته استفاده کرد.

گل محمدی (۱۳۹۷) برای محاسبه ریسک مالیاتی از معیار مورد استفاده نیومن و همکاران (۲۰۱۳) استفاده کرد به این صورت که ریسک مالیات از نسبت مالیاتی پرداختی به سود ابرازی برای اندازه‌گیری ریسک مالیاتی استفاده شده است. این معیار، بی‌ثباتی نرخ مؤثر مالیات را توصیف می‌کند و اساساً دلالت بر توانایی حفظ ثبات وضعیت مالیاتی در طول زمان دارد؛ بنابراین سرمایه‌گذاران پس از پیش‌بینی سود قبل از مالیات، با عدم اطمینان بیشتری در تعیین نرخ مالیات مناسب برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی پس از مالیات در آینده روبه‌رو می‌شوند.

ریسک مالیات = ریسک مالیات از نسبت مالیات پرداختی به سود ابرازی
رنجبر رباطی (۱۳۹۷) و امیری (۱۳۹۷) برای سنجش ریسک مالیاتی به تبعیت از پژوهش پاکیزه و همکاران (۱۳۹۴) و پلانیکانوا (۲۰۱۵) از نوسان نرخ مؤثر مالیاتی نقدی استفاده شده است. بر این اساس که بالا بودن انحراف استاندارد نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بر مبنای نرخ گذشته نشان‌دهنده ریسک بالاتر در وضعیت مالیاتی شرکت‌های مورد بررسی هست. برای محاسبه انحراف استاندارد نرخ مؤثر مالیاتی نقدی، ابتدا نرخ مؤثر مالیاتی نقدی را محاسبه و سپس انحراف استاندارد آن را نسبت به چهار سال قبل محاسبه می‌گردد.

صادقی (۱۳۹۶) به تبعیت از کاترین و همکاران (۲۰۱۷) از انحراف استاندارد (انحراف معیار) یک‌ساله (دوره جاری و دوره قبل) نرخ مالیاتی مؤثر نقدی سالانه، به‌عنوان ریسک مالیاتی استفاده شده است. انحراف استاندارد به این دلیل هست که با مقایسه سال قبل میزان ریسک مالیاتی مشخص می‌گردد.

خلیلی کیا (۱۳۹۴) برای محاسبه ریسک مالیاتی مطابق با پژوهش برون و همکاران (۲۰۱۰) و مک کارتی (۲۰۱۲) از حساب ذخیره مالیاتی موجود در صورت‌های مالی استفاده شده است. مطابق با استانداردهای موجود شرکت‌ها ملزم هستند تا مزایای مالیاتی شناسایی نشده و اجزای اصلی مالیات‌های مربوط به سال‌های گذشته که هنوز پرداخته نشده‌اند را در حساب ذخیره مالیات نشان دهند. برای محاسبه این متغیر از نسبت حساب ذخیره مالیات بر جمع دارایی ابتدای دوره استفاده شده است.

دارش و همکاران (۱۳۹۷) و راهی (۱۳۹۶) برای سنجش ریسک مالیاتی از انحراف استاندارد نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی شرکت در دوره پنج‌ساله استفاده کرد.

ساری (۱۳۹۶)، هراتی (۱۳۹۳)، آیرز و همکاران (۲۰۰۹) و دسای و دراهمپالا (۲۰۰۹) برای سنجش ریسک مالیاتی از وجود تفاوت بین مالیات ابرازی با مالیات تشخیصی برای سه سال مورد مطالعه قرار داد.

انحراف استاندارد نرخ مؤثر مالیات پرداختی شرکت نیز می‌تواند برای اندازه‌گیری ریسک مالیاتی استفاده شود. این معیار، بی‌ثباتی نرخ مؤثر مالیاتی نقدی را توصیف می‌کند و اساساً دلالت بر توانایی حفظ ثبات وضعیت مالیاتی در طول زمان دارد. ساده‌ترین و معمول‌ترین معیار به‌کاررفته برای اندازه‌گیری عدم اطمینان، شاخص‌های پراکندگی از جمله انحراف معیار و واریانس است (بررلی و مایرز، ۱۹۹۱؛ پاورز، ۲۰۰۹). از این رو، این معیار به‌عنوان معیار متداول اندازه‌گیری ریسک در پژوهش‌های مالی به کار می‌رود. اندازه‌گیری ریسک به‌عنوان واریانس یا انحراف معیار، در کتاب‌های مالی از جمله فاما (۱۹۷۶) نیز یک رویکرد مرسوم است. با توجه به معیارهای سنجش ریسک مالیاتی و به تبعیت از پژوهش‌های پیشین و کاورمن (۲۰۱۸)، پلانیکانوا (۲۰۱۵)، پتکیزه و همکاران (۱۳۹۴) از نوسان اجتناب مالیاتی بهره برده شده است. انحراف معیار اجتناب مالیاتی (نسبت به سه سال قبل) این معیار جدید نشان‌دهنده درجه‌ای از عدم اطمینان در مورد نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها است.

بررسی ارتباط ریسک مالیاتی، اجتناب مالیاتی و هزینه استقراض شرکتها

اجتناب مالیاتی می‌تواند ریسک‌ها را به سمت بدهکاران سوق داده و موجب کاهش توانایی آن‌ها در پرداخت بدهی‌هایشان شود. از سوی دیگر، اجتناب مالیاتی می‌تواند منجر به صرفه جویی پولی بدهکاران شود که این مسئله می‌تواند قدرت آن‌ها را در پرداخت بدهی‌هایشان تقویت کند. کاورمن، به این نتیجه دست‌یافت که شرکت‌ها ممکن است دسترسی زیادی به اطلاعات بدهکاران خود داشته باشند، به همین دلیل می‌توان فرض کرد که هیچ عدم تقارن اطلاعاتی میان شرکت‌ها و بدهکاران وجود ندارد. در چنین محیط‌هایی طلبکاران آگاه مانند شرکت‌ها، قادر به تشخیص انواع اجتناب مالیاتی اعم از کم‌خطر و پرخطر هستند؛ بنابراین تأثیر مثبت یا منفی اجتناب مالیاتی بر هزینه بدهی از لحاظ نظری قابل اثبات نیست (کاورمن، ۲۰۱۸). از آنجا که ریسک مالیاتی پس از کسر مالیات از جریانات نقدی کمتر قابل پیش‌بینی می‌شود، طلبکاران می‌توانند شرکت‌هایی با ریسک مالیاتی بالا را به‌عنوان بدهکاران خطرناک‌تر تشخیص دهند (کاورمن، ۲۰۱۸).

ارتباط روشنی میان اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی به‌صورت یکنواخت در دسترس نیست. اجتناب مالیاتی در شرکت‌هایی که دارای ریسک کم هستند، می‌تواند ریسک مربوط افزایش پیدا کند. با فرض اینکه طلبکاران می‌توانند اجتناب مالیاتی را با ریسک پایین و بالا تشخیص دهند، تأثیر اجتناب مالیاتی بر هزینه بدهی به سطوح ریسک مالیاتی مربوطه بستگی دارد؛ بنابراین اثر اجتناب مالیاتی هنگام افزایش سطوح ریسک مالیاتی مربوطه، به‌صورت منفی (فراتر از منفی) در می‌آید (کاورمن، ۲۰۱۸).

بحث و نتیجه‌گیری

رفتار اجتناب مالیاتی از استراتژی‌های بااهمیت شرکت‌ها محسوب می‌شود. شرکت‌ها با استفاده از اجتناب مالیاتی می‌توانند به کاهش بار مالیاتی خود کمک نمایند. همچنین ریسک مالیاتی نیز می‌تواند به‌طور خاص از اجتناب مالیاتی نشاء بگیرد. ریسک مالیاتی، می‌تواند از استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالی شرکت که به‌صورت مستقل از کل ریسک عملیاتی است، به وجود بیاید. شرکت‌هایی که از اجتناب مالیاتی به‌خوبی استفاده می‌کنند، می‌توانند در سودمندی سهامدارانشان از این طریق نقش داشته باشند؛ بنابراین استفاده از اجتناب مالیاتی هنگامی که سود یا قیمت سهام بالا برود ممکن است موجب سودمندی سهامداران در این شرکت‌ها گردد. در ادبیات دو دیدگاه متضاد در مورد تأثیر اجتناب از پرداخت مالیاتی بر هزینه بدهی وجود دارد. یک دیدگاه معتقد است که اجتناب مالیاتی باعث افزایش هزینه‌های بدهی در نتیجه مطالبه طلبکاران برای جبران خسارت ناشی از ریسک ناشی از احتمال اجتناب مالیاتی می‌شود. دیدگاه دوم معتقد است که اجتناب از پرداخت مالیات لزوماً ریسک را افزایش نمی‌دهد بلکه توانایی شرکت‌ها را برای ارائه بدهی خود تقویت می‌کند. بنابراین، تأثیر اجتناب مالیاتی به میزان زیادی به ارتباط بین فرار مالیاتی و ریسک مالیاتی بستگی دارد. طلبکاران بین فرار مالیاتی موفق که منجر به هزینه پایدار مالیات و فرار مالیاتی ناموفق می‌شود، تمایز قائل می‌شوند و باعث می‌شود هزینه‌های مالیات بی‌ثبات‌تر باشد. با توجه به نتایج یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود که دارندگان بدهی به‌طور کلی فعالیت‌های اجتناب از مالیات شرکت‌ها را به‌عنوان ریسک‌های مهم تلقی می‌کنند و اثرات ریسک‌های ناشی از اجتناب را شناسایی کرده و به درک پیامدهای اقتصادی اجتناب از پرداخت مالیات بپردازند. همچنین پیشنهاد می‌شود طلبکاران، ریسک‌پذیری اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را برای ارزیابی ریسک کلی پیش فرض ارزیابی کنند.

منابع

✓ ابراهیمی، کاظم، بهرامی نسب، علی، حسن زاده، مهدی، (۱۳۹۶)، واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و گریز مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی. مدیریت سازمان‌های دولتی، شماره ۵، دوره ۱۸، صص ۶۱-۷۶.

- ✓ زرنندی، محمد، (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات و ترکیب هیات مدیره بر سیاست استقراض شرکت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده علوم اقتصادی.
- ✓ ساری، محمدعلی، (۱۳۹۶)، ارائه مدلی برای بهینه سازی ریسک مالیاتی شرکت ها بر اساس مولفه های کیفیت محیط اطلاعات داخلی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ✓ صادقی، فاطمه، (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی بر ارزیابی سرمایه گذاران از شرکت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).
- ✓ فرجی، شهریار، (۱۳۹۵)، تبیین رابطه اجتناب مالیاتی، هزینه استقراض و سرمایه گذاران نهادی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، دانشکده علوم انسانی.
- ✓ گل محمدی، حمید، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی، ریسک مالیاتی و بازده سهام ریال پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع).
- ✓ هراتی، فاطمه، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین ریسک مالیاتی و ریسک مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- ✓ Abdul Wahab, E. & Ariff, A. (2017). Political connections, corporate governance, and tax aggressiveness in Malaysia. *Asian Review of Accounting*, Vol. 25 Issue: 3, pp.424-451, <https://doi.org/10.1108/ARA-05-2016-0053>
- ✓ Ayers, B. Jiang, J. and Laplante, S. K. (2009). Taxable income as a performance measure: The effects of tax planning and earnings quality. *Contemporary Accounting Research*, 26(1), 15-54.
- ✓ Bigellia, M. and Sánchez-Vidalb, J. (2012). Cash holdings in private firms. *Journal of Banking and Finance*, 36(1), 26°35.
- ✓ Brown, J. K. Drake, and M. Martin. (2011). Are firms myopic? The case of contracting on performance and uncertainty. Working paper.
- ✓ Desai, M.A. and Dharmapala, D. (2009). Earnings management, corporate tax shelters, and book-tax alignment. *National Tax Journal*, 62, 169°186.
- ✓ Desai, M.A. Dharmapala, D (2009). "Corporate Tax Avoidance and Firm Value," *Review of Economics and Statistics*, Vol. 91, PP. 537–546.
- ✓ Dyreng, S.D. Hanlon, M. and Maydew, E.L (2008), Long- Run Corporate Tax Avoidance. *The Accounting Review*, Vol. 83, PP. 61- 82.
- ✓ Fama, E. (1976). *Foundations of Finance: Portfolio Decisions and Securities Prices*. New York: Basic Books
- ✓ Frank, M. M. Lynch, L. J. & Rego, S. O. (2009). Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting. *The Accounting Review*, 84(2), 467-496.
- ✓ Gaaya, S. & Lakhali, N. and Lakhali, F. (2017). Does family ownership reduce corporate tax avoidance? The moderating effect of audit quality. *Managerial Auditing Journal*, Vol. 32 Issue: 7, pp.731-744, <https://doi.org/10.1108/MAJ-02-2017-1530>
- ✓ Gallemore, J. Labro, E. (2015). The importance of the internal information environment for tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 149-167.
- ✓ Guenther, D. & Matsunaga, S. (2013). Tax avoidance, tax aggressiveness, tax risk and firm risk, Working Paper, University of Oregon, and Eugene.
- ✓ Hanlon, M. (2009). The persistence and pricing of earnings, accruals, and cash flows when firms have book-tax differences. *Account. Rev:* 80 (1): 137–166.
- ✓ Hanlon, M, Heitzman, SH, (2010), "A Review of Tax Research", *Journal of Accounting and Economics*, PP.5.
- ✓ Hasan, I., Hoi, C.K.S., Wu, Q. and Zhang, H. (2014), "Beauty is in the eye of the beholder: the effect of corporate tax avoidance on the cost of bank loans", *Journal of Financial Economics*, Vol. 113 No. 1, pp. 109-130.

- ✓ Hendriksen, Eldon S. Van Breda., (۱۹۹۲) Accounting Theory 5th Edition. Homewood. IL. Irwin. First Ed 1965.
- ✓ Henry, E. and Sansing, R. (2018), "Corporate tax avoidance: data truncation and loss firms", *Review of Accounting Studies*, Vol. 23 No. 3, pp. 1042-1070 (forthcoming).
- ✓ Hutchens, M and Rego, S.O. (2015) Does Greater Tax Risk Lead to in Creased Film Risk? Available at SSRN 2186564.
- ✓ Hutchens, M. and and Rego, S. (2013), "Tax risk and the cost of equity", working paper, Indiana University, September 2013.
- ✓ Inger, K.K. (2014), "Relative valuation of alternative methods of tax avoidance", *The Journal of the American Taxation Association*, Vol. 36 No. 1, pp. 27-55.
- ✓ Isin, A. (2018). Tax avoidance and cost of debt: The case for loan-specific risk mitigation and public debt financing, *Journal of Corporate Finance*, Volume 49, April 2018, Pages 344-378.
- ✓ Jensen, M.C. and Meckling, W.H. (1976), "Theory of the firm: managerial behavior, agency cost and ownership structure", *Journal of Financial Economics*, Vol. 3 No. 4, pp. 305-360.
- ✓ Jiang, G. (2010), "Tunneling through intercorporate loans: the China experience", *Journal of Financial Economics*, Vol. 98 No. 1, pp. 1-20.
- ✓ Johnson, S., Boone, P., Breach, A. and Friedman, E. (2000), "Corporate governance in the Asian financial crisis", *Journal of Financial Economics*, Vol. 58 Nos 1/2, pp. 141-186.
- ✓ Katharine D. Drake, Stephen J. Lusch, and James Stekelberg (2017) Does Tax Risk Affect Investor Valuation of Tax Avoidance? *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 1-26
- ✓ Kim, J.-B., Li, O.Z. and and Li, Y. (2010), "Corporate tax avoidance and bank loan contracting", working paper, City University of Hong Kong, November 2010.
- ✓ Kothari, S.P., Leone, A.J. and Wasley, C.E. (2005), "Performance matched discretionary accrual measures", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 39 No. 1, pp. 163-197.
- ✓ Kovermann, J. (2018). "Tax avoidance, tax risk and the cost of debt in a bank-dominated economy", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 33 Issue: 8/9, pp.683-699, <https://doi.org/10.1108/MAJ-12-2017-1734>.
- ✓ Kraft, A. (2014), "What really affects german firms' effective tax rate?", *International Journal of Financial Research*, Vol. 5 No. 3, pp. 1-19.
- ✓ Lim, Y. (2011), Tax avoidance, cost of debt and shareholder activism: Evidence from Korea, *Journal of Banking & Finance*, Volume 35, Issue 2, February 2011, Pages 456-470.
- ✓ McGill, G. A. and E. Outslay (2004). Lost in translation: Detecting tax shelter activity in financial statements. *National Tax Journal*, Vol. 23, pp.739-756
- ✓ Mills, Lillian F. and Nwberry. kayel j. (1998). The influence of tax and Nontax costs on books tax reporting differences.
- ✓ Nejadmalayeri, A. & Singh, M. (2012). Corporate taxes, strategic default, and the cost of debt. *Journal of Banking & Finance*, Volume 36, Issue 11, November 2012, Pages 2900-2916.
- ✓ Powers, M. (2009). Rethinking risk and return: Part-Novel norms for non-normality. *Journal of Risk Finance*, No.10, PP.101-106.
- ✓ Thomsen, M. & Watrain, C. (2018). Tax avoidance over time: A comparison of European and U.S. firms, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Volume 33, December 2018, Pages 40-63.
- ✓ Wang, X. (!#\$#). Tax Avoidance, Corporate Transparency and Firm Value
- ✓ Wilson, R.J (2009), "an Examination of Corporate Tax Shelter Participants". *The Accounting Review*, Vol. 84, PP. 969-999.